

۲۸۰- گذشت زمان در جریان تکامل فرد و اجتماع چه نقشی دارد؟!

بخش اول



سؤال: خواهشمندم در رابطه با اقتضای زمان از دیدگاه کلام وحی و مفسران قرآن توضیحی بفرمائید. می خواهم بدانم آیا گذر زمان بعنوان یک عامل وجودی در کمال فرد و اجتماع نقش دارد؟! نظر قرآن و روایات معصومین در این زمینه چیست؟!

پاسخ:

کلیات

- * آیا گذشت زمان تأثیری در تکامل فرد و اجتماع دارد؟!
- * شرایط اثرگذاری گذشت زمان در تکامل انسان ها چیست؟!
- * کدام عامل در تحوّل شریعت ها و نزول صورت کامل دین خدا مؤثر بوده است.
- * در سنت های خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی پیدا نخواهد شد.
- * تحوّل شریعت ها شبیه تحولات متداول در مقاطع مختلف تحصیلی است.
- * قرآن کتابی است دارای الفاظ محدود و معانی نامحدود.
- * در قرآن مجید انواعی از معانی وجود دارد و معانی آن از یک نظر به دو قسم معانی ظاهری و معانی باطنی تقسیم می شود.
- * روش اختصاصی به کار رفته در قرآن مجید.
- * ترکیب و تنظیم آیات قرآن به صورتی است که بطور مستمر معانی

جدیدی از آن قابل استخراج می باشد.

* آیا برای معانی قرآن سقف و محدوده معینی وجود دارد؟!*

* معانی ظاهری قرآن در طواهر الفاظ آیات قرار گرفته است.

* معانی باطنی قرآن عمدتاً در روابط بین آیات قرار گرفته است و فهم و درک آن ها احتیاج به تدبیر و زمینه علمی خاصی دارد.

* علم به مرتبه خاصی از معانی قرآن اختصاص به ذوات مقدسه معصومین- علیهم السلام- دارد.

* * * * *

گذشت زمان اگر همراه با برقراری نظام آموزشی مبتنی بر شناخت حقایق عالم و مخلوقات پروردگار عالمیان و در رأس آن ها مخلوق برتر یعنی انسان و همچنین قوانین حاکم بر عالم باشد، قطعاً در کمال فرد و اجتماع نقش اساسی و مهمی خواهد داشت. میزان این نقش و چگونگی آن هم با وضعیت زندگی انسان ها در ارتباط کامل خواهد بود. یعنی اگر زندگی انسان ها با جریانات علمی و حوادث تعقل برانگیز همراه بود، نقش گذشت زمان در تکامل زندگی آن ها عمیق تر و گسترده تر و آشکارتر خواهد بود.

اصل جریان تکامل شریعت ها و ظهور پیامبران جدید و نزول کتاب های آسمانی جدید و سرانجام نزول قرآن مجید با اوصاف خاصی که دارد، آشکارترین دلیل برای اثبات همین موضوع است یعنی نقش گذشت زمان در تکامل فرد و اجتماع.

توضیح اینکه: همه شریعت های آسمانی- به اصطلاح ادیان- و همه کتاب های آسمانی از یک مبدأ واحد و علم پروردگار عالمیان نشأت گرفته اند، و مسلماً نه نظر و اراده و مشیّت ذات قدوس الله تغییر پذیر است و نه سنت ها و قوانین اصلی او برای زندگی انسان ها، همچنانکه خود او می فرماید:

«سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّاتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (الفتح/23) یعنی: سنت الله است که از قبل هم همین بوده و در سنت الله هرگز تغییری نخواهی یافت.

تنها چیزی که در این زمینه تغییر می یابد وضعیت فکری و علمی و استعداد های انسان ها است. و آن هم مرتبط با گذشت زمان و حوادث

زندگی انسان ها می باشد. در اثر گذشت زمان و تحولات نظام زندگی، هم احتیاجات انسان ها به علوم و آموزش ها تغییر می کند و هم استعداد آن ها برای دریافت آموزش ها، و متناسب با هر دو جهت، آموزش های دینی هم متحول شده و علوم نازل شده برای انسان ها گسترده تر و بیشتر شده است.

تفاوت آموزش های آسمانی که برای پیامبران صاحب شریعت- نه همه پیامبران- ارسال شده و از طریق کلام و رفتارهای آن ها به انسان ها عرضه شده، شبیه تفاوت مقاطع مختلف تحصیلی در مدارس و مراکز علمی عالی مثل دانشگاه ها می باشد. بطوریکه دانش آموزان مدارس در سال های اول تحصیلی بطور سطحی مقداری آموزش های مقدماتی را دریافت می کنند و در سال های بعد متناسب با استعدادهای پیشرفته، آموزش های بیشتر و عمیق تری را دریافت می کنند تا به مرحله معینی از تحصیلات عالی برسند. از آنجا به بعد می توانند با استعداد و زمینه علمی دریافت شده از مقاطع تحصیلی قبلی و نیازهای جدید به وجود آمده از نوع زندگی، بعنوان یک کارشناس و محقق در بعضی از رشته های علمی به مطالعات و تحقیقات علمی خود ادامه دهند.

طبعاً نمی شود علوم و آموزش های متداول در مراکز عالی علمی مثل دانشگاه ها را در سال های اول ابتدائی و مقاطع اولیه تحصیلی به دانش آموزان مبتدی یاد داد و برای دریافت آن مرتبه از علوم، احتیاج به آموزش های مقدماتی و سنین بالاتر از دوران کودکی و نوجوانی و استعدادهای متحول و پیشرفته وجود دارد.

ظهور شریعت های متعدد و نزول کتاب های آسمانی و انتقال علوم دینی به فضای ذهن و فکر انسان ها هم مسیری را شبیه مقاطع مختلف تحصیلی و تحوّل و پیشرفت علوم و گسترش آن ها طی کرده است. یعنی آموزش های آسمانی متناسب با نیازهای انسان ها در زندگی دنیوی و گسترش و تحوّل استعدادهای تعلیم پذیری متحول و گسترده تر شده تا اینکه زمینه های فکری و علمی و استعدادهای انسان ها به مرحله ای رسیده است که بتواند صورت نهائی و کامل آموزش های آسمانی را دریافت کند! و در آن زمان و موقعیت صورت کامل معارف دینی توسط «آخرین پیامبر خدا» یعنی حضرت محمد- صلی الله علیه و آله و سلم- و آخرین کتاب آسمانی یعنی «قرآن مجید» برای انسان ها نازل شده است.

اگر گفته شود که به چه علتی بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی در زمان معینی متوقف شده و ادامه پیدا نکرده، در صورتیکه

هم نیازهای انسان ها به آموزش های جدید و علوم جدید برقرار است و هم استعداد آن ها جهت فهم و درک علوم و آموزش ها بطور دائم تحوّل می یابد؟!

عرض می کنیم: پاسخ این سؤال دو جهت پیدا می کند و این بحث دو محور اصلی خواهد داشت و آن دو عبارتند از:

1- اسلوب اختصاصی به کار رفته در قرآن مجید.

2- استمرار رهبری آسمانی.

در ادامه این بحث و تکمیل پاسخ سؤال مطرح شده، هر دو موضوع را متناسب با روش متداول در نوشتن مقالات توضیح می دهیم:

در قرآن مجید یک اسلوب و روش اختصاصی به کار رفته است و از ناحیه همین اسلوب به کار رفته، این کتاب دارای معانی نامحدودی است. و علوم نامحدودی در آن با روشی اختصاصی متمرکز شده است. این وضعیت اختصاص به قرآن مجید دارد و هیچ کتاب دیگری در تمام عالم و در تمام زمان ها حتی هیچ یک از کتاب های آسمانی قبلی دارای چنین وصفی و چنین خصوصیتی نمی باشند.

ما قبلاً در چند مقاله اعمّ از مقالات «کلام ایام» و «پرسش و پاسخ» و مقالات تفسیری تحت عنوان «آموزش های آسمانی» در این زمینه مطالبی آورده ایم و دلائلی هم برای اثبات آن ذکر کرده ایم! و در این قسمت در مقام توضیح لازم برای آن، بخشی از یک مقاله منتشر شده قبلی را نقل می کنیم و در ادامه بحث دلائل اثبات این موضوع را هم ذکر خواهیم کرد. اما توضیح اصل موضوع:

«قرآن مجید خصوصیتی دارد که موجب امتیاز آن از هر کتاب دیگری- حتی کتاب های آسمانی قبلی- شده است!

این خصوصیت ریشه اصلی سایر اوصاف اختصاصی آن می باشد توضیح این که این کتاب از نظر لفظی محدود و از نظر معانی نامحدود است! یعنی قرآن مجید معارف و معانی بی پایانی دارد به طوری که هر مقدار تحقیق و پژوهش و تدبیر جدید در آن انجام گیرد، به طور مستمر معانی جدیدی از آیات آن کشف خواهد شد.

علت این خصوصیت آن است که قرآن مجید از علم بی پایان خداوند به وجود آمده و برای زمان های نامحدود و نیازهای علمی انسان ها در همه زمان ها- از زمان نزول آن تا انتهای دوره حیات انسان در

دنیا- در نظر گرفته شده است.

علت اصلی این که انسان ها نمی توانند کلامی مثل قرآن پدید آورند حتی یک سوره مثل آن، همین خصوصیت قرآن مجید است یعنی این که در آن علم نامحدود به کار رفته است و در نتیجه دارای معانی نامحدود می باشد. چون علوم انسان ها اگر هم یک جا جمع شود باز هم محدود خواهد بود و علم محدود نمی تواند محصول نامحدود ایجاد کند.

آن چه ذکر شد عنوان موضوع یا صورت اجمالی و فشرده آن است و ما صورت تفصیلی آن را در بعضی از تألیفات خود، عمدتاً در کتاب سلسله مباحث «قرآن شناسی» جلد اول تحت عنوان «کتاب محدود و نامحدود» به صورت مستدل آورده ایم، و محور مباحث کتاب مذکور همین موضوع است، یعنی اثبات این که در قرآن معانی نامحدودی وجود دارد.

معانی قرآن در مراتب متعددی قابل فهم و درک و کشف و استخراج است. قرآن مجید تنها کتابی است که متناسب با فهم و درک و استعداد انسان ها در سطوح مختلف می باشد. همچنین تنها کتابی است که متناسب با نیازهای علمی متغیر در همه زمان ها و شرایط مختلف علمی و فکری و فرهنگی می باشد. کتاب های آسمانی قبلی هم دارای این امتیاز نبوده اند، چون آن کتاب ها برای زمان محدود و نیازها و استعدادهای محدود تنظیم شده بودند.

لازم به ذکر است که کتاب های آسمانی قبلی «معجزه» پیامبران آورنده آن ها محسوب نمی شدند، یعنی کتاب تورات معجزه حضرت موسی (ع) نبود، بلکه او معجزات دیگری داشت، و همچنین کتاب انجیل معجزه حضرت عیسی (ع) نبوده و آن حضرت معجزات دیگری داشت. و کتب مورد ذکر فقط مشتمل بر معارف دینی بود، برای زمانی محدود و معین، اما قرآن مجید علاوه بر این که مشتمل بر معارف کامل دین توحیدی است، معجزه پیامبر اسلام هم می باشد و چون برای زمان نامحدودی پدید آمده، متضمن معانی نامحدودی است.

قرآن مجید به نحوی تنظیم و ترکیب شده است که به طور دائم با به کار بردن روش های متنوع تحقیق و پژوهش، معانی جدیدی از آن کشف می شود. مطالب این کتاب هم برای انسان های مبتدی در تحصیل علم و هم برای دانشمندان و هم برای انسان های دارای علم و ادراک فوق عادی یعنی ذوات مقدسه پیامبران خدا (ع) و امامان معصوم یعنی جانشینان حقیقی پیامبر اکرم اسلام متناسب می باشد. البته طبعاً در این صورت این کتاب آسمانی لازم است دارای مراتب متعددی از معانی باشد، و

حقیقت هم همین است، یعنی مراتبی از معانی قرآن قابل فهم انسان های مبتدی و متناسب با نیازهای علمی آن ها است، و مراتب دیگری از معانی آن متناسب با فهم و درک دانشمندان و دانشمندان متخصص در قرآن شناسی و سرانجام مراتبی از معانی آن متناسب با انسان هائی است که قدرت فهم و ادراک آن ها بالاتر از افق فهم های عادی بشری است! یعنی ذوات مقدسه حجت های پروردگار عالم و آن بزرگواران به معانی عمیق و گسترده باطنی قرآن علم دارند.

معانی قرآن از یک لحاظ به دو قسم تقسیم می شود و آن دو عبارتند از: معانی ظاهری و معانی باطنی. معانی ظاهری از الفاظ آیات قابل فهم است، اما معانی باطنی عمدتاً از روابط بین آیات مختلف، و ما در جلد دوم کتاب های سلسله مباحث «قرآن شناسی» تحت عنوان «حجاب های معانی قرآن» این موضوع را به طور مشروح توضیح داده ایم.⁽¹⁾

در قرآن مجید انواعی از معانی وجود دارد و معانی آن از یک نظر تقسیم می شود به دو قسم و آن دو قسم عبارتند از معانی ظاهری و معانی باطنی. معانی ظاهری آن از الفاظ آیات قابل فهم است و دانشمندان عادی بشری و حتی در مواردی افراد مبتدی از ناحیه توجه به ظواهر الفاظ آیات، آن معانی را دریافت می کنند.

اما معانی باطنی عمدتاً در روابط متعدد بین آیات قرار گرفته است و فهم و درک و کشف آن ها احتیاج به «تدبیر» و بکار بردن روش خاص مطالعه و تحقیق در این کتاب آسمانی و علوم و استعدادهای برتر و مهمتر از همه آن ها آشنائی اساسی با اسلوب به کار رفته در این کتاب را دارد و طبعاً مطالعه و تحقیق در آن هم از انواع روش های تحقیقی متداول در علوم عادی نخواهد بود.

قابل تذکر است که برای علوم و معانی باطنی قرآن سقف و محدوده معینی وجود ندارد و دانشمندان قرآن شناس بطور دائم و مستمر از ناحیه توجهات و تدبیر جدید می توانند معانی تازه ای از آن کشف کنند.

باز قابل تذکر است که مراتبی از علوم و معانی باطنی قرآن در حیطه قدرت علمی رهبران آسمانی و ذوات مقدسه معصومین- علیهم السلام- قرار دارد! و بخواست خداوند در بخش بعدی این بحث توضیحات لازم در آن جهت خواهد آمد.

خلاصه بحث تا این قسمت این است که:

گذشت زمان قطعاً در تکامل انسان ها اعم^۳ از فرد و اجتماع نقش اساسی دارد و همین موضوع یکی از علل اصلی تحوّل و تکامل شریعت ها بوده است و انسان ها در اثر همین نوع تحوّل به مرحله ای از فهم و درک و استعداد و آموزش پذیری رسیدند که زمینه دریافت و فهم معانی آخرین کتاب آسمانی در آن ها به وجود آمد و از آن مرحله به بعد کمال یابی انسان ها از ناحیه معانی و علوم کشف شده جدید از کتاب آسمانی استمرار خواهد داشت.

مطالب فوق شامل هم افراد و هم جوامع انسانی می شود. چون اگر بپذیریم که گذشت زمان عامل تحوّل تکاملی در افراد انسانی خواهد شد، طبعاً این تأثیر در جوامع انسانی هم برقرار خواهد بود. چون بطور مسلم افکار و نظرات و رفتارهای افراد یک جامعه در مجموع فرهنگ و سنت های آن اثرگذار خواهد بود و حداقل یکی از عوامل وقوع تحوّللات اجتماعی تحوّل عقاید و افکار و رفتارهای افراد جامعه بالخصوص تعدادی خاصی از آن ها است که اثرگذاری بیشتر و شدیدتر در فرهنگ جامعه و یا سیاست حاکم بر آن دارند، مثل نویسندگان و شعرا و سیاستمداران و افراد مشهور یک جامعه و بطور کلی فرهنگ سازان. پس بنابراین موضوع نقش گذشت زمان در تکامل انسان ها شامل هم افراد و هم مجموعه هائی از آن ها بنام اجتماعات یا جوامع می شود.

ما بخواست خداوند در بخش بعدی دلائل اثبات این مطلب را ذکر خواهیم کرد و همچنین به توضیح موضوع «استمرار رهبری آسمانی» خواهیم پرداخت. ان شاء الله تعالی.

الیاس کلانتری

1397/11/28

پاورقی:

1- وبسایت حکمت طریف، بخش پرسش و پاسخ، سؤال شماره- 45، تحت عنوان: «کتابی که 14 قرن قبل نازل شده در زمان ما چگونه قابل استفاده است؟!»